

<div><div>🇮🇷</div><div><div>شنبه ۲۵ فروردین ۱۴۰۳</div></div></div>
شماره ۴۱۱۱
www.fdn.ir
<div><div>🇮🇷</div><div><div>فارحیکهتاند</div></div></div>

FARHIKHTEGANDAILY



«فرهیختگان» پيچیدگی های تحلیلی بازی ناتو با ۲ مهره آذربایجان و ارمنستان را بررسی می‌کند

قفقاز جنوبی؛ اسرائیل دوم؟



سیدمهدی تالیسی دبیرگروه جهان‌شمار

وضعیت قفقاز با توجه به افزایش شدت و سرعت مداخلات ناتو با سرعتی باورنکردنی درحال رسیدن به نقطه جوش است. کشورهای قدرتمند غربی شامل آمریکا، فرانسه و انگلیس به همراه متحدانی از ترکیه گرفته تا هند درصدد ایجاد و تقویت بستراهی آشوب در این منطقه‌اند. اهمیت قفقاز جنوبی شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان از این‌روست که آنها پیوستگی و قرابت‌هایی با قفقاز شمالی به‌عنوان بخشی از خاک روسیه و همچنین منطقه مهم و پرجمعیت شمال غرب ایران دارند. در دور تازه‌ای از تحکرات ناتو علیه کشورهای نظامی، غرب درحال برداشتن گام‌های بزرگ و عیان برای حضور در قفقاز و به تنش کشیدن این منطقه است. به‌عنوان بخشی از تعاملات آشکار این مسیر، روز ۱۷ فروردین (۵ آوریل) بروکسل مقر اتحادیه اروپا شاهد نشست سه‌جانبه نیکول پاشینیان؛ نخست‌وزیر ارمنستان، آنتونی بلینکن؛ وزیر امور خارجه آمریکا و اوسولوفون درلاین؛ رئیس کمیسیون اروپا بود. ۲۴ روز پیش از این نشست سه‌جانبه نیز نینس استولتبرگ، دبیرکل ناتو تور قفقازی خود را برای دیدار از باکو، ایروان و تفلیس آغاز کرده بود. همزمان با این تحکرات روند انتقال تجهیزات نظامی و گروه‌های تروریستی نیز با رشد مواجه شده است. انعقاد قرار داده‌های چندین میلیارد دلاری برای واردات تسلیحات نظامی توسط آذربایجان و ارمنستان نشان‌دهنده تلاش برای راه‌اندازی مسابقه تسلیحاتی و افزایش سطح تخریب در منطقه است. در این میان گفته می‌شود رژیم صهیونیستی علاوه‌بر انتقال سلاح به آذربایجان دست به انتقال جمعیت صهیونیست‌ها به قفقاز نیز زده است. این افراد با توجه داشتن ریشه خانوادگی در شمال آذربایجان که شامل جمعیت‌های یهودی بوده و همچنین به بهانه دوری از اثرات جنگ طوفان الاقصی به منطقه آمده‌اند.

توسعه هماهنگ و همزمان آشوب علیه شرق

امروزه ناتو به رهبری آمریکا به شکل علنی و غیرعلنی به‌طور هماهنگ درحال تولید و تقویت آشوب در شرق اروپا، غرب آسیا، شرق آسیا، جنوب آسیا و قفقاز است. آنچه آمریکا و مجموعه غرب را به تحکرات عظیم و همزمان کشانده، جلوگیری از رشد بی‌وقه قدرت‌های شرقی و تلاش برای تنظیم مجدد نظام جهانی آینده بر مبنای مقتضیات غربی است. از همین‌رو به نظر می‌رسد غرب ضعیف‌شده، بیشتر از دوران قدرتش جنگ‌افروز شده است. غرب در نظام گذشته قدرت خود را از طریق تسلط بر فناوری و منابع جهان که در اختیارش قرار داشتند، اعمال می‌کرد. در حال حاضر اما با رشد اقتصادی چین و قدرت‌های نوظهور تسلط غرب بر فناوری به چالش کشیده شده و به دلیل واگرایی مجدد روسیه از غرب، روند تکثر قدرت جهانی و قدرت‌یابی محور مقاومت در غرب آسیا، کنترل غرب بر منابع زمین نیز با تهدیدی جدی مواجه شده است. غرب برای محدود‌سازی منابع مالی کشورهای شرقی برای توسعه فناوری و همچنین خارج کردن منابع از انحصار آنها درصدد جنگ‌افزوری است.

این جنگ افزوری‌ها می‌تواند جامعه و اقتصاد کشورهای هدف را تحت تاثیر قرار داده، برنامه‌ریزی‌های بلندمدت‌آنها را به دلیل نيازهای جنگی به شرایط فعلی تنزل داده و بسا ایجاد پهنانه برای تحریم و جنگ اقتصادی، جریان انتقال فناوری و صادرات آن را مختل سازد. تلاش برای محدود کردن صادرات فناوری و محصولات نظامی روسیه و چین به‌ویژه پس از جنگ اوکراین در همین راستا قابل ارزیابی‌اند.

ایران نیز یکی از اهداف بزرگ واشنگتن که تهران تسلط واشنگتن بر منابع انرژی و معدنی غرب آسیا را به چالش کشیده و انحصار کنترل کریدورهای دریایی را نیز از دستان آنان خارج کرده است. بر همین اساس غرب پس از ناکامی در ایجاد مشکل برای ایران از طریق رژیم بخت عراق و سپس تکفیری‌ها در حوزه غرب آسیا درصدد تمرکز بر قفقاز است.

دولت‌هایی که طرح به چالش کشیدن ایران در قفقاز را «بخت‌وپز» می‌کنند شاید

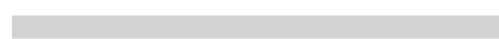


بازنگری ایران

دولت‌هایی که طرح به چالش کشیدن ایران در قفقاز را «بخت‌وپز» می‌کنند شاید خاطره «دوخت‌ودوز» سیاست‌هایشان در دیگری نقاط منطقه از افغانستان تا یمن، عراق، سوریه و غزه را از یاد برده باشند. این دولت‌ها در بررسی دلایل شکست خود در غرب آسیا به مواردی رسیده‌اند که به زعم آنها قفقاز فاقد آن بوده و به همین علت مساعد برنامه‌ریزی برای ضربه به تهران است. به زعم طراحان، ایران به دلیل همراهی دولت‌های عراق، سوریه، و همچنین حضور مقاومت در دولت لبنان و تسلط مقاومت بر دولت یمن، سطحی از حمایت‌های دولتی را در منطقه در اختیار داشت اما در قفقاز این‌گونه نیست. همچنین در غرب آسیا ظرفیت فعالیت‌های نهضتی به دلیل سوابق تاریخی وجود داشت که قفقاز فاقد ویژگی همانندی است. با این حال آنها که این ویژگی‌ها را نفع خود شناسایی کرده‌اند، موارد دیگری را نادیده گرفته‌اند. اگر در غرب آسیا، آمریکا موفق شد بخشی از جمعیت بومی را منحرف کند، در قفقاز قادر به ایجاد گروه‌های تروریستی در حجم و کیفیت مشابه نیست و برای همین دست به انتقال گسترده تروریست‌ها از سوریه و پاکستان به این منطقه زده است. همزمان نیز گروهی از صهیونیست‌ها پس از ۱۷اکتبر تلاش کرده‌اند در پوشش مهاجرت معکوس برای خود مناطقی در قفقاز دست و پا کنند. «تمام وارداتی» بودن گروه‌های تروریست تکفیری و صهیونیستی در قفقاز مبارزه با آنها را آسان‌تر می‌کند. آنها در هرصورت در جغرافیایی محدود و اماکن مشخص و قابل شناسایی حضور دارند. قابلیت ضربه‌پذیری در کوتاه‌مدت، ویژگی بازر چنین تقسیم‌نیرویی است. تلاش برای ایجاد اغتشاش در مرزهای جنوب شرق کشور از طریق خاک پاکستان نیز قادر به تقسیم منابع ذهنی و مادی ایران برای غفلت از قفقاز نیست؛ چه اینکه ایران به ابزار و فرماندهان برای مدیریت چندگانه جبهه‌های متعدد دسترسی دارد. دولت‌هایی که در صدد حضور در این بازی هستند بهتر است نگاهی گذرا به وضعیت آمریکا پس از فرار از افغانستان در سال ۲۰۲۱ و وضعیت رژیم صهیونیستی از سال ۲۰۲۳ داشته باشند. آنها قدرتمندتر از غرب نیستند و از سوی دیگر اساسا غرب آنها را برای مصرف جهت خرید زمان برای بازسازی خود در نظر دارد. غرب می‌خواهد قفقاز را برای کسب منافع، مصرف و قربانی کند.

تله‌های قفقاز و انتقال صهیونیست‌ها

در کلان مساله، غرب و تعددی از بازیگران به دنبال ایجاد صحنه‌ای در قفقاز هستند تا ایران با دست زدن به حمایتی علنی از ارمنستان در برابر آذربایجان مسلمان، شیعه و دارای قریابت نژادی به ایران، موضع اسلامی، مذهبی و تمدنی تهران را تضعیف کنند. در این بازی عناصری در دولت‌های باکو و ایروان در هماهنگی کامل با غرب قرار داشته و درپی کشاندن تهران به زمین بازی طراحی



مهدی سیف‌تبریزی، کارشناس مسائل قفقاز در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

آذربایجان و ارمنستان بازی مشتری برای تشدید تنش در منطقه دارند

پاشینیان امروزه تبدیل به اصلی‌ترین داریابی ناتو در قفقاز شده است. به دلیل نظام دموکراتیک کشورهای عضو و همچنین نیاز به ثبات سرزمینی، این کشور نسبت به آذربایجان و گرجستان با مختصات مدنظر ناتو منطبق‌تر است. با توجه به شکست‌های متعدد پاشینیان در میدان جنگ و ضدیت با روسیه هیچ‌رغم نفوذ بالای مسکو در این منطقه و همچنین مخالفت قدرتمند، نخست‌وزیر ارمنستان چگونه همچنان قدرت را در دست دارد؟

اتفاقات دقیقاً این‌کنائی که شما به آن اشاره کردید نقاط قوت پاشینیان در شرایط فعلی ارمنستان محسوب می‌شود. روسیه به دلایلی که می‌توان به آن اشاره داشت در منظر افکار عمومی ارمنستان بسیار منفرده شده است به شکلی که دیگر توان استفاده از مدیریت مسائل براساس اتفاقاتی است که می‌افتد، باید هرچه سریع‌تر مصالحه‌های مشکوکی که مسکو با باکو انجام می‌دهد به حساب ناکارآمدی یا خیانت روسیه به مردم ارمنستان تلقی شده و پاشینیان هم سعی در پرورش این نوع نگاه در میان مردم ارمنستان دارد. از همین‌روی الزاماً ادامه فعالیت پاشینیان در قدرت نه برای رضایت مردم از وی و حزب متبوعش بلکه یک دهن‌کجی به روسیه و متحان این کشور در سیاست ارمنستان است.
دلیل تاهل علاقه امروز اتحادیه اروپا و غرب به ارمنستان استفاده آبریزی از این کشور در جهت به چالش کشیدن منافع امنیتی روسیه است، وگرنه گرجستان با مزیت بسیار بهتر ژئوپلیتیکی و دارا بودن بسیاری از شرایط و موزکراسی، سال‌هاست که پشت‌در عضویت در اتحادیه اروپا مانده است.

وضعیت مخالفان او چگونه است؟

اصولاً وضعیت نیروهای مخالف سیاسی یا همان اپوزیسیون در ارمنستان بسیار اسف‌بار است. نیروهای سیاسی مخالفی که در حال حاضر در این کشور فعالیت می‌کنند وابسته به روسای جمهور یا نخست‌وزیران سابق این کشور هستند. سیاستمدارانی‌که ارانمه به دلیل حجم بالای فساد و ناکارآمدی و همچنین وابستگی به کرملین در در انتخابات قبلی از اعتماداران قلبی و همچنین عملکرد نامطلوب سیاسی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و اقتصادی روسیه در ارمنستان است. به واقع مردم ارمنستان به دنبال یک حامی و یک شریک استراتژیک هستند که نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی آنان را برطرف کند و در شرایط کنونی و با تبلیغات سیاه دستگاه رسانه‌ای پاشینیان، آن را در قامت روسیه نمی‌بینند.

آیا جبهه قدرتمند ضد ناتو در ارمنستان وجود دارد؟

احزاب و فضای عمومی ارمنستان همانند دیگر کشورهای ایمن منطقه مانند گرجستان گرایشات بسیار عمیقی در سال‌های اخیر به سمت غرب پیدا کرده‌اند. این گرایش محصول عملکرد وضعی سیاستمداران قلبی و همچنین عملکرد نامطلوب سیاسی، اجتماعی، امنیتی، نظامی و اقتصادی روسیه در ارمنستان است. به واقع مردم ارمنستان به دنبال یک حامی و یک شریک استراتژیک هستند که نگرانی‌های امنیتی و اقتصادی آنان را برطرف کند و در شرایط کنونی و با تبلیغات سیاه دستگاه رسانه‌ای پاشینیان، آن را در قامت روسیه نمی‌بینند.

دکتر ولایتی درگفت‌وگو با المیادین:

قفقاز جنوبی بخشی از حریم امنیتی ایران است



شده توسط غرب و رژیم صهیونیستی‌اند. این بازیگران روی مساله دیگری نیز حساب کرده‌اند. از نگاه آنها ایران اگر به این تله‌پی بپرد با شناخت این تله از ارائه کمک موثر به ارمنستان خودداری کرده و تصمیم جامعه و نخبگان امنیتی برای غش کردن در آغوش غرب را نهایمی می‌سازد. با این‌حال رویی آنها تاکنون تعبیر نشده است. ایران نه کمکی نظامی به ارمنستان داشته و نه اجازه داده جنوب این کشور به اشغال درآید. آذربایجان و ارمنستان با تقویت حضور ناتو در قفقاز به اصطلاح در حال کندن گور خود با دستان خود« هستند. نفوذ غرب، ترکیه، تروریست‌های تکفیری و سلفی و انتقال جمعیتی صهیونیست‌ها به تدریج مزیت‌های جمعیتی، سیاسی، نظامی و مدیریتی آزری‌ها و ارمنی‌ها را از بین برده و فرمان‌را به دستان ناتو و بازوهای تکفیری و صهیونیستی آن خواهد داد.

ارمنستان؛ اصلی‌ترین نقطه همراهی یا ضدیت با ناتو

ارمنستان دارای لابی درسه کشور قدرتمند جهان شامل روسیه، آمریکا و فرانسه است. دو کشور از این قدرت‌ها، غربی بوده و علاوه‌بر آن بخش بزرگی از ارمنی‌های حاضر در روسیه به‌ویژه سیاستمداران و دیپلمات‌های حاضر در وزارت خارجه این کشور نیز فرگیرگ هستند. از این‌رو دیسپاورو لابی ارانمه به شدت تحت تاثیر فرگیرگاری است. علاوه‌بر این مسائل در داخل خاک ارمنستان نیز شهروندان و سیاستمداران، روس‌گریز شده‌اند. حمله روسیه به اوکراین که استقلال این جمهوری استقلال‌یافته از شوروی را به چالش کشید، برای ارمنی‌ها نیز حاوی هشدار بود و آنها را بیشتر به سمت غرب سوق داده است. مفهوم فرگیرگ‌شدن ارمنی‌ها بیشتر از آنکه فرهنگی یا حتی در اتصال با منافع اقتصادی باشد، شامل دیدگاه‌های استراتژیک برای حفظ سرزمین تاریخی ارمنستان است که امروزه بخش اندکی از آن باقی مانده و همان نیز در معرض جدایی و کوچک‌تر شدن است. ارمنی‌ها به شمول دیسپاورو لابی‌های قدرتمند با از دست دادن موقعیت کشودشان، ضمن تحمل ضربه شدید هویتی و تاریخی، ابزارهای بازی ژئوپلیتیکی خود در جهان را از دست می‌دهند. به عبارتی دیگر ارمنی‌ها تبدیل به قومی همانند کدرها یا یهودیان می‌شوند.

ارمنی‌ها در ارمنستان و سایرین مناطق باید بدانند مسیری که کشور، هویت و ابزار موثر آنها را حفظ و تقویت می‌کند، ارتباط و تعامل با همسایگان و به‌طور خاص همسایگان قدرتمند است. آنچه از سال ۲۰۲۰ به این‌سو باعث حفظ جنوب ارمنستان از اشغال شده، تهدیدات نظامی معتبر ایران بوده است. ارمنستان با گام برداشتن براساس توصیه‌های غرب نته‌تها موجودیت ارانمه فروغ‌راغ را بریاد داد، بلکه امروزه دیگر مناقشش نیز در معرض تهدید است. ایروان که قصد داشت با حمایت غرب خود را حفظ کند، برای جلب نظر این مجموعه خود را به شدت تضعیف کرده است.



مهدی سیف‌تبریزی، کارشناس مسائل قفقاز در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

آذربایجان و ارمنستان بازی تشدید تنش در منطقه دارند

شاید یکی از مهم‌ترین گزینه‌های این رفع نگرانی برای ارانمه نظیر فلسطینجی‌ها ایران باشد و شاید هم ناتو و غرب جمعی.

ایران چه ظرفیت‌ها و راه‌های پیش‌روی خود برای جلوگیری از گسترش ناتو در قفقاز دارد؟ آیا در فقدان مشارکت موثر روسیه و چین در این ممانعت، آیا ایران می‌تواند به تنهایی از نفوذ ناتو جلوگیری کند؟

جواب به این سوال کمی پیچیده است. در وهله اول باید به این موضوع اشاره کرد که براساس شرایط فعلی قفقاز و نوع بازیگری ایران به نظر می‌رسد دستگاه سیاست خارجی هیچ برنامه مدون و منسجمی درخصوص منطقه قفقاز جنوبی ندارد و مدیریت مسائل براساس اتفاقاتی است که می‌افتد. باید هرچه سریع‌تر دستگاه‌های مربوطه درخصوص منطقه قفقاز، خصوصاً ارمنستان برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدتی را طرح‌ریزی کنند و براساس آن سناریوهای مختلفی را به اجرا درآورند. به‌منظور جلوگیری از گسترش ناتو با توجه به شرایط فعلی، ایران نمی‌تواند به تنهایی در این‌حوزه وارد عمل شود و باید به صورت موازوی روی دولت‌های ارمنستان، روسیه و چین درخصوص تفهیم تهدیدات امنیتی این موضوع حضور نیروهای ناتو در منطقه برنامه‌ریزی کرد. باید به سران ارمنستان این موضوع را تفهیم کرد که اگر در مقابل تهدیدات بالقوه آذربایجان و ترکیه به دنبال شریکی مطمئن می‌گردد، باید آن را در ایران و روسیه جست‌وجو کند، به‌خصوص ایران که کشور هم‌مرز با ارمنستان است و عدم تغییر مرزهای بین‌المللی از اولویت‌های سیاست خارجی این است. پیروند با ناتو، فرانسه یا هند هرچند می‌تواند درمجامع سیاسی بعضاً برای آنان مفید باشد اما آن کشورهاییی که می‌توانند در اسرع وقت از تمامیت ارضی ارمنستان دفاع کنند، ایران و روسیه هستند.

روسیه به دلیل جنگ اوکراین تضعیف شده و به همین میزان قدرتش در قفقاز نیز کمزنگ شده است. با این حال چین که دارای قدرت قابل توجهی است، با برخی از طرح‌های منطبق بر سیاست‌های ناتو و بان‌ترک‌ها همراهی کرده است. این همراهی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

نگاه چین به منطقه قفقاز جنوبی با نگاه ایران و روسیه کاملاً متفاوت است. نگاه تهران و مسکو به این منطقه کاملاًبعد امنیتی دارد اما نگاه چینی‌ها در حال حاضر به قفقاز جنوبی کاملاًاقتصادی است و این منطقه را یکی مهم در راستای ایجاد و تکمیل کریدور شرق به غرب می‌بینند. با نگاهی به طرح چینی‌ها می‌بینید که در سالیان گذشته کریدور میانی یا ترانس‌کاسپین از خطوط ترانزیتی مورد علاقه بکن محسوب نمی‌شود و خطوط اصلی از روسیه و ایران به سمت غرب می‌گذشت. اما تعلق ایران در تکمیل و بهبود زنجیره راه‌های مواصلاتی داخلی و برخی قوانین گمرکی دست‌وپاگیر و البته برخی نگاه‌های ضدشرقی در برخی دولت‌ها، چینی‌ها را مجاب کرد تا طرح کریدور میانی را با جدیت بیشتری دنبال کنند. البته که جنگ اوکراین و مسدود شدن مسیرهای ترانزیتی این کشور به سمت غرب نیز به این وضعیت سرعت بخشید. چین در سال گذشته متوجه خطرات همراهی با طح‌های بان‌ترکی باکو و آنکارا شد. چین با تغییر نگرش سعی در تکمیل مسیر جدیدی دارد که این کشور را از گرجستان و بنادر این کشور به اروپا متصل می‌کند.

دکتر ولایتی درگفت‌وگو با المیادین:

قفقاز جنوبی بخشی از حریم امنیتی ایران است

علی‌اکبر ولایتی، مشاور مقام‌معظم رهبری اعلام کرد که طرح آمریکا در قفقاز جنوبی جز زرمینه سازی برای ایجاد تشنج و حضور نظامی نیست. به گزارش تسنیم، ولایتی در گفت‌وگو با شبکه‌المیادین ابراز داشت: «طی روزهای اخیر اتحادیه اروپا و آمریکا در قالب ناتو در بروکسل گرد هم آمده و مصوبه جدیدی در رابطه با زرمینه سازی یک طرح جدید تهاجم و دخالت نامشروع در منطقه قفقاز جنوبی به تصویب رساندند». به گفته مشاور مقام‌معظم رهبری، آنها به صراحت اعلام کرده‌اند که می‌خواهند در این منطقه بسیار حساس از جهان دخالت کنند. ظاهراً هدف خود را کمکت به ایجاد صلح اعلام کرده‌اند درحالی‌که این نوع اقدامات حکایت از آن دارد که این مجموعه بدسابقه کاری جز زرمینه سازی برای ایجاد تشنج در نقاط حساس جهان و به دست آوردن بهانه برای حضور نظامی به قیمت از بین بردن امنیت و استقلال کشورهای آن منطقه ندارند. مشاور رهبر معظم انقلاب اسلامی تاکید کرد: «حساسیت منطقه قفقاز جنوبی بر کسی پوشیده نیست و سوابق تاریخی اغتفاح‌آمیز جمهوری اسلامی ایران نشان می‌دهد که از چندین قرن گذشته تاکنون همواره کشور ما یک رکن مهم در حفظ امنیت و صلح در این منطقه با حفظ حقوق و حساسیت‌های کشورهای منطقه بوده است». این مقام عالی جمهوری اسلامی ایران در این گفت‌وگو خاطرنشان کرد: «این طرح جدید و شکل‌گیری آن طراحی از قبل بوده که به ابتکار آمریکا و کمک برخی از واسطه‌های منطقه پایریزی شده است. به این نکته باید توجه داشت که حدود دو سال قبل نیز کار و اقداماتی در همین جهت با ظاهری متفاوت مطرح شد که طی آن می‌خواستند به بهانه تسهیل ارتباطات بیشتر برای انتقال انرژی این کشورهای این حوزه ظاهری آراسته و باطنی بسیار زیان‌بخش برای منطقه به وجود بیاورند.»

«اجرای آن طرح زیان‌بخش موجب اختلالات مهم و رابردی به ضرر ملت‌های منطقه می‌شد که ازجمله آنها به هم خوردن مرزهای تاریخی کشورها و ایجاد اختلافات بین آنها بود. این مساله به‌عنه‌ای به دست کشورهای غربی و در رأس آنها آمریکا می‌داد و روغنی بود بر آتش بین همسایگان که ریخته می‌شد و عملاً بهانه رفع اختلافات، مقدمات حضور قدرت‌های توسعه‌طلب غربی می‌گردید. باید توجه داشت هدف آمریکایی‌ها به‌عنوان رأس تصمیم‌گیر در ناتو این بود که از این طریق به بهانه دستیابی به منابع انرژی در دریای خزر و آسیای مرکزی، ناتو در جنوب روسیه با شمول ایران مستقر شود و این فرآیند از ابتدا به واسطه هوشیاری نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران با اصل آن مخالفت شد و ععلان‌لم‌یکن‌گردید. در ابتدای امر بعضی از موافقان آن مخالفت کرد و تنها ایران بود که با تدبیر و انسجام عملی با اقتدار جلوی این طرح ایستاد.

آنها می‌خواستند و می‌خواهند مشابه اقداماتی که در دریای بالتیک و اوکراین انجام دادند را در این معر مهم شمال ایران و جنوب روسیه انجام دهند، یعنی نفوذ وسیع و همه‌جانبه ناتو به سمت شرق را تکمیل کنند. کم‌نیستند مراکز تحقیقاتی تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیری که در خدمت منافع غیروشروع غرب هستند و به‌خصوص پس از شکست این طرح نیست خود آشکار کردند که همگی موید این مدعا بود. قرائن موجود حاکی از این‌است که رأس کل خطیبه آمریکا است و سرمایه‌داران صلیبی - صهیونیستی حاکم در آن کشور به دنبال طرح مشخصی هستند و آن اینکه در شرایط جدید که جهان بندی بعد از جنگ دوم جهانی (سال ۱۹۴۵-۱۹۴۰-سال) و مدعای ایجاد تک قطبی به ریاست آمریکا (۱۹۹۱-بیروت پدر) و چندقطبی سال ۱۹۹۹توسط نماینده چین در سازمان ملل متحد مطرح گردید و ایجاد قطب جدید شرقی (چین-روسیه ژائویه ۲۰۲۲) توسط پوتین و ششی چین پینگ اعلام شد و شکل‌گیری عملی اتحاد نوبدید کشورها برای مقابله با غرب به صورت پیمان شانگهای و بریکس و به‌ویژه مجموعه مقاومت با محوریت جمهوری اسلامی ایران و مشارکت کشورهای انقلابی غرب آسیا، تسلط خود بر جهان را بازسازی کنند. لذا اخیراً یکی از مسئولان ایالات متحده گفته بود که غرب باید آینده تأمین انرژی خود را از انحصار رابردی تنگ هرمز و دریای بالتیک بشکنند و این جز از طریق قفقاز جنوبی میسر نخواهد بود.

آقای پوتین زمانی چنین گفت که نخست‌وزیر انگلیس و صدر اعظم آلمان همزمان با فروریختن دیوار برلین به مسئولان وقت شوروی (گورباچف-شوارز نادره) گفته بودند که ناتو یک سانت از این خط فرضی توافق شده پس از جنگ سرد، جلودر نخواهد آمد ولی دنیا شاهد بوده است طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی، ناتو به‌عنوان پیمان نظامی فراگیر غرب با محوریت آمریکا، کشورهای اروپایی را یکی پس از دیگری به عضویت خود درآورد که از یک‌سو با تهدید و از سوی دیگر با تضمین آنها در عضویت اتحادیه اروپا کم‌کم کشورهای بی‌طرف که هیچ دلیلی برای خصومت با روسیه نداشتند را به عضویت خود درآورد تا به اوکراین رسید و پوتین جلوی آنها ایستاد پس از دیگری جدی بین روسیه و غرب، کم‌کم ناتو به بدیل دوم یعنی قفقاز جنوبی پرداخت و پوتین قبل از حادده اوکراین گفته بود که مرزهای قفقاز جنوبی همان است که در زمان شوروی سابق ترسیم شده بود ولی به تدریج قابل تهدید بین روسیه و غرب در اوکراین موجب شد که صراحت دولت روسیه در حفظ موقعیت قفقاز جنوبی کمزنگ شود و حتی در طی سال‌های گذشته کار به جایی رسید که در آمریکا و ترکیه گفته شد که فقط تنها مخالف ایجاد دالان زنگه‌زور، ایران است.

آری اینچنینیست‌بود که ایران با تدبیر و اقتدار لازم جلوی این توطئه بسیار بزرگ را گرفت، یکی از اساتید امور بین‌الملل دانشگاه تفلیس مدتی قبل بیان کرد نگرانی این است که روسیه در قفقاز جنوبی ضعیف شود و ناتو همسایه ایران شود، اکنون نیز این‌تا میرتبیات پلوتانی و ازروشنند ایران نشان می‌دهد کشورهایه که نسبت به ایران طمع دارند اگر از در بیرون رانده شوند از پنجره داخلی می‌شوند ولی به آنها می‌گویم همان‌طور که در رابطه باگشودن دالان زنگه‌زور ایستادگی کردیم، در مقابل هر نوع طرح دیگری که نتیجه مشابه آن را داشته باشد خواهیم ایستاد و همچنان معتقدیم فرمول ۳+ ۳ راه‌گشای مشکلات آینده قفقاز جنوبی است. جمهوری اسلامی

ایران با دو ملت آذربایجان و ارمنستان سابقه روابط طولانی و تاریخی دارد و استقلال و حفظ تمامیت ارضی این دو کشور همسایه بسیار مهم می‌باشد. به کشورهایه که هنوز ایران را نشناخته‌اند به صراحت گوشزد می‌کنیم که جمهوری اسلامی ایران به هیچ‌ک‌شور، سازمان و اتحادیه‌ای‌که قصد تجاوز به حریم امنیتی ایران را دارند اجازه این‌گونه تحکرات نخواهد داد و با هوشیاری و اقتدار کامل از تمامیت ارضی و کیان کشور و حریم امنیتی خود دفاع می‌کند. قفقاز جنوبی بخش مهمی از حریم امنیتی ایران می‌باشد و همواره از امنیت و استقلال و تمامیت ارضی تمام کشورهای این منطقه دفاع خواهد کرد و این تصمیم اخیر اتحادیه اروپا، ناتو و آمریکا در بروکسل نیز به‌هیچ‌وجه عملی نخواهد شد.»

انگیزه تحکرات نخواهد داد و با هوشیاری

انگیزه تحکرات نخواهد داد و با هوشیاری

انگیزه تحکرات نخواهد داد و با هوشیاری